

وضعیت آموزش عالی در ایران : واقعیتها و چالشها

نویسنده: دکتر محمد توکل

دانشیار رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

معرفی مقاله

در این مقاله، نخست به نقش آموزش عالی در توسعه ملی اشاره می‌شود و سپس شاخصهای عمده آموزش عالی دولتی در گذشته و حال مورد بحث قرار می‌گیرد. این شاخصها هم پارامترهای کمی - مثل تعداد دانشجو، توزیع دانشجو در مقاطع و گروه‌های عمده آموزشی - را در برمی‌گیرد و هم شامل عناصر کیفی از قبیل هرم اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و وضعیت تحقیقات است. پس از آن، جایگاه آموزش عالی ایران با چند کشور جهان به لحاظ این شاخصها مقایسه می‌شود و، در نهایت، دستاوردها و تنگناهای آموزش عالی کشور به همراه تمهیدات کلی اندیشیده شده در برنامه سوم توسعه کشور مطرح می‌گردد.

مقدمه:

اهمیت اساسی سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی به‌عنوان عامل مهم توسعه اقتصادی از دهه ۱۹۶۰ توسط بانک جهانی پذیرفته شده است و، از آن به بعد، کشورهای توسعه یافته و - با کمی تأخیر - کشورهای در حال توسعه به برنامه‌ریزی و تقویت این نهاد تولیدی همت گماشته‌اند.

اکنون دیگر پذیرفته شده است که آموزش نه تنها یکی از حقوق اولیه و اصلی انسانی است، بلکه جزء اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز هست و چنانچه برنامه‌ریزی آن به شایستگی انجام شود، می‌تواند در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی راهگشا باشد و، از جمله، بازده اقتصادی زیادی بویژه در کشورهای فقیر داشته باشد.

در شرایط فعلی جهان نیز، علیرغم گسترش تفکر خصوصی سازی آموزش عالی، بسیاری از کشورهای توسعه یافته بویژه کشورهای عضو بازار مشترک اروپا (EEC) بر تقویت و حمایت این سرمایه‌گذاری از سوی دولت اصرار می‌ورزند و برای بخش آموزش در برنامه‌ریزی‌های کلان خود جایگاه ویژه‌ای قائل هستند^۱.

بخش آموزش عالی به‌عنوان متولی تربیت و تأمین نیروی انسانی در سطح عالی رسالت خطیری را برعهده دارد. به منظور ترسیم وضعیت بخش آموزش عالی در حال حاضر، ابتدا جایگاه بخش آموزش عالی دولتی غیرپزشکی (دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی) را در کل بخش آموزش عالی و روند تغییرات آن در بیست سال گذشته را مرور خواهیم کرد و سپس، در نهایت، با بیان مشکلات و تنگناهای این بخش همراه با نقاط قوت آن، موارد قابل تأمل در تسهیل و توسعه فعالیت این بخش را متذکر خواهیم شد.

اینک که در آستانه تدوین نهایی برنامه سوم و بخش آموزش عالی، تحقیقات و فن‌آوری آن هستیم، داشتن تصویری واقعی از این بخش یک ضرورت و الزام است. امید است صفحاتی که به‌دنبال می‌آید، قدمی در تحقق این الزام و ضرورت باشد.

۱- جایگاه آموزش عالی دولتی غیر پزشکی در کل آموزش عالی

وزارت فرهنگ و آموزش عالی قانوناً عهده‌دار سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای

سیاستها و برنامه‌های توسعه آموزش عالی کشور است. لیکن در سالهای پس از انقلاب، با ایجاد و توسعه بخش غیردولتی آموزش عالی (دانشگاه آزاد) و جدا شدن آموزش پزشکی از سهم آن در کل بخش، و به تبع تعدد مراکز تصمیم‌گیری و تغییر در سیاستهای اجرایی، نقش آن در کل سیاستگذاریهای بخش کاهش یافته است.

در جدول شماره ۳، وضعیت آماری بخش آموزش عالی دولتی غیر پزشکی (دانشگاهها و مؤسسات وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی) در حال حاضر از نظر سهم آن از کل بخش و روند آن در سالهای ۷۶-۱۳۵۷ از نظر تعداد پذیرش، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان نشان داده شده است. سهم پذیرفته‌شدگان در دانشگاهها و مؤسسات وابسته به وزارت از کل بخش دولتی - که در سال ۱۳۵۷، ۱۰۰ درصد و در پایان برنامه اول ۴۸ درصد بود - به ۵۶ درصد در سال ۷۶ افزایش یافته است؛ در حالی که سهم بخش غیر دولتی از ۴۱ درصد در سال ۶۸ به ۴۹ درصد در سال ۷۲ و ۵۰ درصد در سال ۷۶ رسیده است. در نتیجه، در کل دوره ۷۶-۱۳۵۷، متوسط رشد پذیرفته‌شدگان کل بخش ۹/۷ درصد ولی بخش دولتی ۵/۸ درصد بوده است. رشد کمتر سهم وزارت از کل بخش، نسبت به سهم آن از بخش دولتی، نتیجه دو عامل رشد دانشگاهها و مؤسسات وابسته به سایر وزارتخانهها و رشد بخش غیر دولتی است. سهم وزارت از نظر تعداد دانشجویان نیز در سالهای برنامه اول و دوم رشد بسیار کمی داشته است. سهم وزارت از کل دانشجویان در سال ۱۳۵۷، ۱۰۰٪ بود که با آغاز فعالیت بخش غیردولتی به ۶۴ درصد در سال ۱۳۶۸ کاهش یافت. اگرچه این سهم در سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۶ به ترتیب به ۶۷ درصد و ۷۰ درصد افزایش یافت، اما افزایش آن کمتر از افزایش سهم بخش غیردولتی بوده است. پس از سال ۱۳۵۷، سهم دانشگاههای وابسته به وزارت در کل فارغ‌التحصیلان بخش نیز به تبع فعالیت بخشهای غیردولتی و وابسته به سایر دستگاهها از ۳۳ درصد فراتر نرفت.^۲

از طرف دیگر، هزینه سرانه دانشجویی نازل در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت، کمبود اعتبارات این بخش رادر مقایسه با حجم فعالیت آن بخوبی نشان می‌دهد (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۱- روند توزیع پذیرفته شدگان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان
در بخشهای مختلف طی سالهای ۷۶-۱۳۵۷^۳

شاخص	سال				نوع وابستگی
	۱۳۵۷ ^(۱)	۱۳۶۸	۱۳۷۲	۱۳۷۶ ^(۳)	
پ.ت.ت	۵۶۲۵۷	۱۶۱۱۶۶	۲۸۷۲۴۶	۳۲۶۷۱۰	کل بخش آموزش عالی کشور
	۵۶۲۵۷	۹۴۳۸۹	۱۴۷۶۲۶	۱۶۴۲۵۳	بخش دولتی
	۵۶۲۵۷	۴۱۲۰۰	۷۰۶۶۴	۹۱۳۲۹	وزارت فرهنگ و آموزش عالی
	۱۰۰	۴۴	۴۸	۵۶	سهم وزارت از بخش دولتی
	۱۰۰	۲۵	۲۵	۲۸	سهم وزارت از کل بخش آموزش عالی
	-	۶۶۷۷۷	۱۳۹۶۲۰	۱۶۲۴۵۷	بخش غیر دولتی
	-	۴۱	۴۹	۵۰	سهم غیر دولتی به کل
دانشجو	۱۷۵۶۷۵	۴۷۸۳۱۲	۹۵۳۳۷۴	۱۳۲۱۷۵۲	کل بخش آموزش عالی کشور
	۱۷۵۶۷۵	۳۲۹۲۲۴	۵۳۰۲۸۸	۶۴۴۱۲۳	بخش دولتی
	۱۷۵۶۷۵	۱۷۹۸۳۹	۲۹۴۳۴۲	۴۲۳۰۶۴	وزارت فرهنگ و آموزش عالی
	۱۰۰	۶۴	۶۷	۷۰	سهم وزارت از بخش دولتی
	۱۰۰	۵۵	۵۵	۶۶	سهم وزارت از کل بخش آموزش عالی
	-	۱۴۹۰۸۸	۴۲۳۰۸۶	۶۷۷۶۲۹	بخش غیر دولتی
	-	۳۱	۴۴/۵	۵۲	سهم غیر دولتی به کل
فارغ‌التحصیل	۳۵۵۵۹	۶۶۷۱۸	۱۲۵۴۴۴	۱۳۸۷۹۳	کل بخش آموزش عالی کشور
	۳۵۵۵۹	۵۸۹۱۹	۹۱۰۰۴	۸۷۲۴۶	بخش دولتی
	۳۵۵۵۹	۲۱۰۲۴	۳۴۰۵۸	۴۵۲۸۲	وزارت فرهنگ و آموزش عالی
	۱۰۰	۳۶	۳۷	۵۲	سهم وزارت از بخش دولتی
	۱۰۰	۳۱	۲۷	۳۳	سهم وزارت از کل بخش آموزش عالی
	-	۷۷۹۹	۳۴۴۴۰	۵۱۵۴۷	بخش غیر دولتی
	-	۱۲	۲۷	۳۷	سهم غیر دولتی به کل

(۱) به علت تحولات پس از انقلاب اسلامی و بلا تکلیف بودن دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی تا تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی، کلیه فعالیتهای آموزش عالی در سال ۱۳۵۷ تحت پوشش وزارت علوم (بخش دولتی) قرار گرفت.

(۲) متوسط رشد دوره ۷۲-۱۳۶۸.

(۳) مراد از ۱۳۷۶، سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶ است. آمار سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷ در حال جمع‌آوری نهایی و تدوین در مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی است.

جدول شماره ۲- هزینه سرانه دانشجویی^{۴*} در بخشهای مختلف در سال ۱۳۷۶

بخش	کل بخش دولتی	دانشگاهها و مؤسسات وابسته به وزارت	دولتی غیروابسته به وزارت	غیر دولتی (آزاد)	غیردولتی (غیرانتفاعی)
هزینه سرانه (ریال)	۲۷۳۷۵۳۵	۲۱۰۲۴۶۰	۴۰۶۵۵۴۶	۷۱۳۰۲۸	۱۰۲۰۲۴۶

* محاسبه شده از اعتبارات جاری ردیفهای آموزشی گروهها به اضافه عملیات کمک آموزشی، فعالیتهای پشتیبانی و خدمات اداری؛ در بخش غیردولتی نیز شامل هزینههای آموزشی و کمک آموزشی و رفاهی دانشجویی.

۲- وضعیت فعلی و روند فعالیتهای آموزشی و تحقیقاتی در دانشگاهها و مؤسسات وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی در ۲۰ سال گذشته

۱- آموزش:

در ادامه، عملکرد شاخصهای اصلی آموزش عالی در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت شامل پذیرش، دانشجو، فارغ التحصیل و تعداد اعضای هیأت علمی در طی سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۶ مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پذیرش: براساس آمار موجود، کل پذیرفته شدگان دانشگاهها و مؤسسات وابسته به وزارت با متوسط رشد ۱۴ درصد در طول برنامه اول توسعه و ۷ درصد طی سالهای ۷۲ تا ۷۶ افزایش یافته، و متوسط رشد سالانه این شاخص طی سالهای ۵۷ تا ۷۶ برابر با ۲/۵ درصد است.

در بین گروههای آموزشی مختلف، متوسط رشد سالانه گروه علوم انسانی در برنامه دوم، در مقایسه با برنامه اول، به نفع دو گروه کشاورزی و دامپزشکی و علوم پایه کاهش یافته است.^۵ در بین مقاطع تحصیلی مختلف، منطبق با سیاستهای اتخاذ شده در وزارت متبوع، دو مقطع تحصیلی دکتری تخصصی و کارشناسی ارشد به ترتیب با ۳۳ و ۲۵ درصد متوسط رشد سالانه، بیشترین رشد را در بین سایر مقاطع طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ داشته‌اند. (جدولهای شماره ۳ و ۴)

جدول شماره ۳- توزیع تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی برحسب گروه آموزشی طی سالهای ۷۶-۱۳۵۷

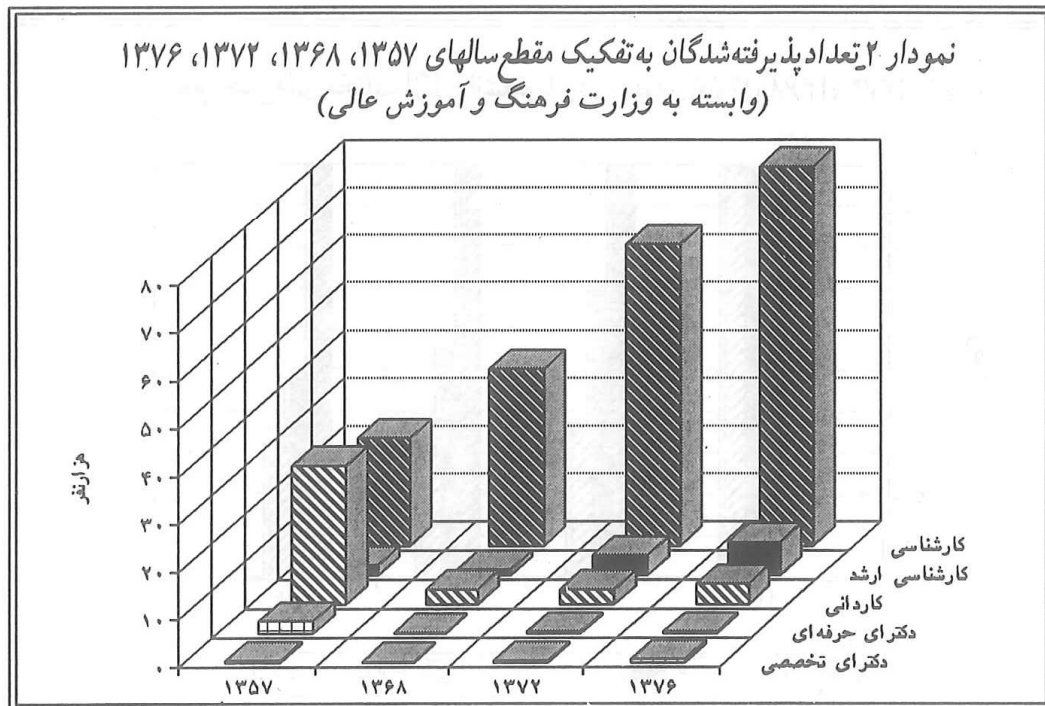
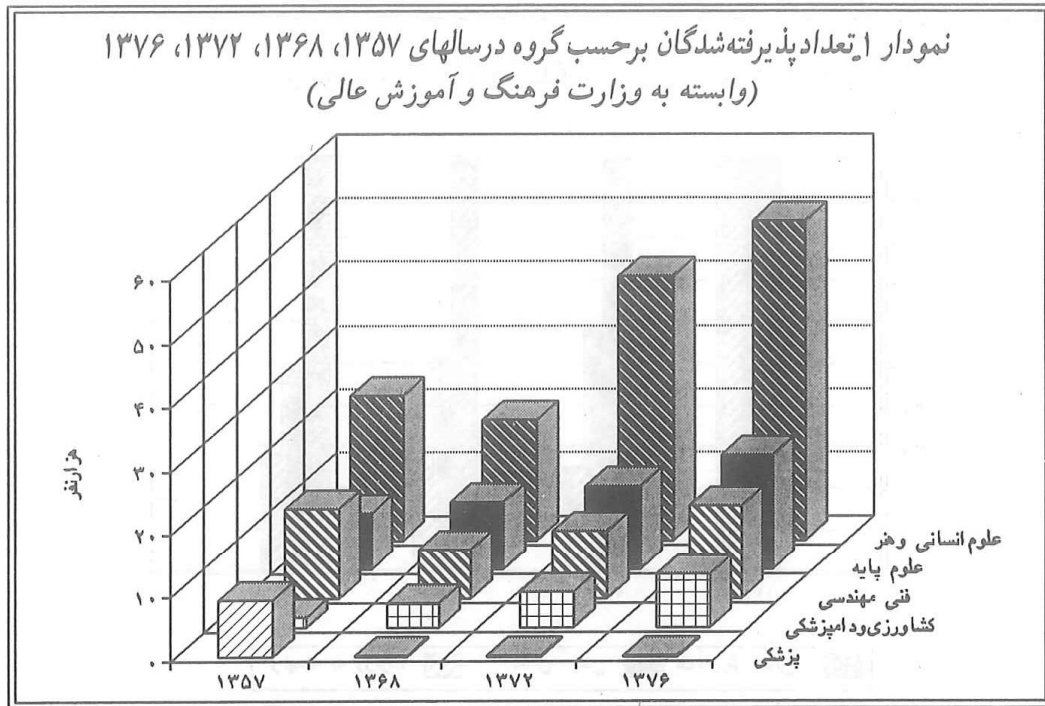
گروه آموزشی	سال				متوسط رشد برنامه اول	متوسط رشد برنامه دوم	متوسط رشد ۱۳۶۸-۷۶	متوسط رشد ۱۳۵۷-۷۶
	۱۳۵۷	۱۳۶۸	۱۳۷۲	۱۳۷۶				
پزشکی	۸۸۹۷	۱۲۵	۱۳	*	۷۱	۱۱۲	-۱	*
علوم پایه	۸۷۶۸	۱۰۶۴۶	۱۳۰۷۹	۵	۸	۱۸۰۵۷	۷	۳/۸
علوم انسانی و هنر	۲۲۸۵۲	۱۸۹۹۵	۴۱۴۴۹	۲۱	۵	۵۰۱۰۴	۱۳	۴/۲
کشاورزی و دامپزشکی	۱۵۲۰	۳۷۳۴	۵۵۴۰	۱۰	۱۱	۸۳۸۷	۱۱	۹/۴
فنی مهندسی	۱۴۲۲۰	۷۶۹۸	۱۰۵۸۳	۸	۸	۱۴۶۶۹	۸	۰
جمع	۵۶۲۵۷	۴۱۲۰۰	۷۰۶۶۴	۱۴	۷	۹۱۳۲۹	۱۰	۲/۵

* به دلیل جدا شدن دانشگاه‌های علوم پزشکی از وزارت فرهنگ و آموزش عالی، محاسبه متوسط رشد بین سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷ منطقی نیست.

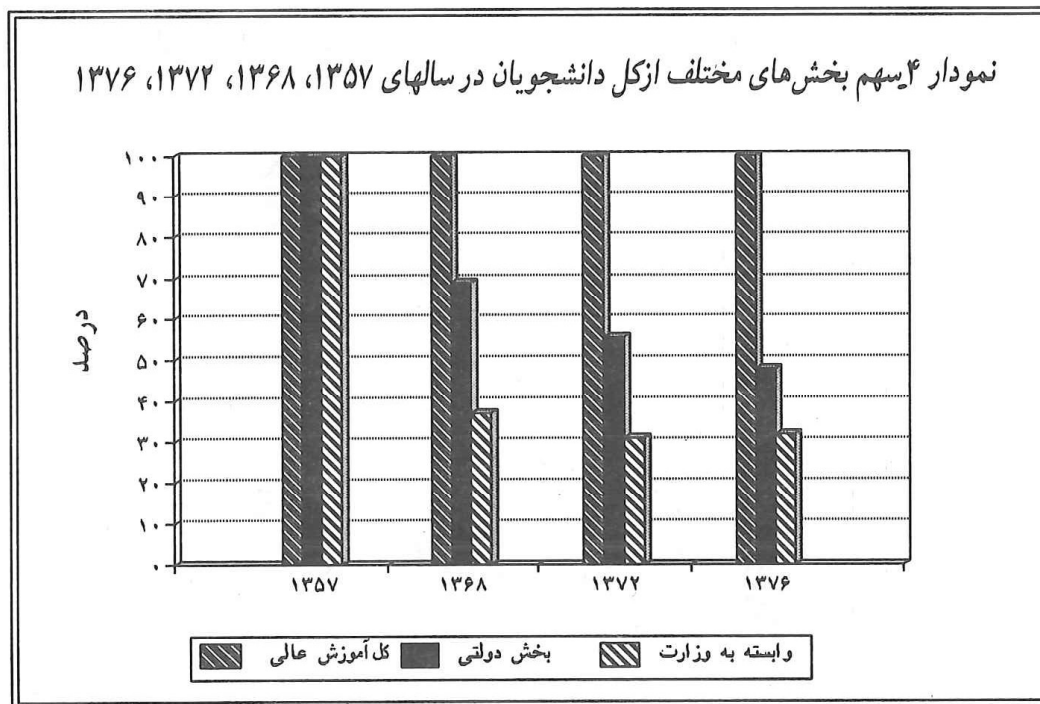
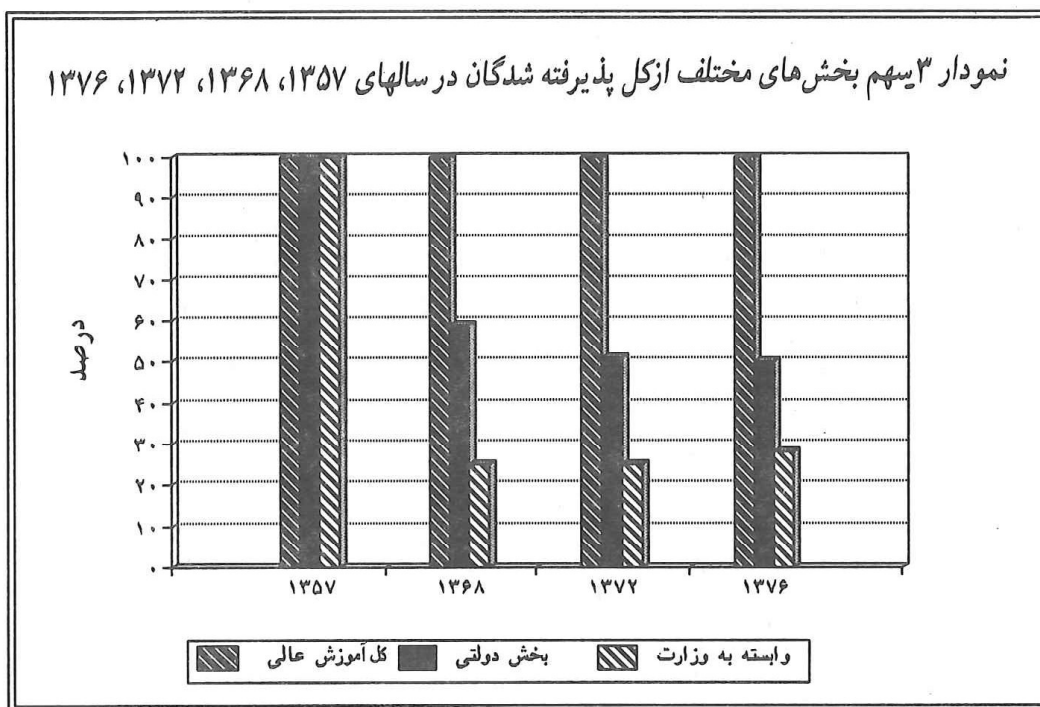
جدول شماره ۴- توزیع تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی برحسب مقطع تحصیلی طی سالهای ۷۶-۱۳۵۷

مقطع تحصیلی	سال				متوسط رشد برنامه اول	متوسط رشد برنامه دوم	متوسط رشد ۱۳۶۸-۷۶	متوسط رشد ۱۳۵۷-۷۶
	۱۳۵۷	۱۳۶۸	۱۳۷۲	۱۳۷۶				
کاردانی	۲۹۰۰۸	۳۰۰۵	۳۰۱۴	۰	۸	۴۱۹۹	۴	-۹/۶
کارشناسی	۲۲۴۸۵	۳۶۸۳۳	۶۳۰۳۱	۱۴/۳	۶	۷۹۴۳۹	۱۰	۶/۸
کارشناسی ارشد	۲۰۰۱	۱۱۱۸	۴۰۷۲	۳۸	۱۳/۶	۶۷۹۳	۲۵	۶/۶
دکتری حرفه‌ای*	۲۴۵۴	۱۸۲	۲۵۶	۹	۳	۲۸۹	۶	-
دکتری تخصصی	۳۰۹	۶۲	۲۹۱	۴۷	۲۰	۶۰۹	۳۳	۳/۶
جمع	۵۶۲۵۷	۴۱۲۰۰	۷۰۶۶۴	۱۴/۴	۶/۶	۹۱۳۲۹	۱۰/۴	۲/۵

* به دلیل جدا شدن دانشگاه‌های علوم پزشکی از وزارت فرهنگ و آموزش عالی، محاسبه متوسط رشد بین سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷ برای این گروه منطقی نیست.



دانشجو: تعداد دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت با متوسط رشد سالانه ۱۳ درصد در طول برنامه اول توسعه و ۹ درصد طی سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ افزایش یافته است. متوسط رشد سالانه تعداد دانشجویان طی سالهای ۱۳۵۷



تا ۱۳۷۶ برابر با ۴/۷ درصد است. وضعیت گروه‌های آموزشی مختلف و مقاطع تحصیلی مختلف بین سالهای موردنظر تقریباً مشابه وضعیت بیان شده در خصوص شاخص پذیرش است: (جدولهای شماره ۵ و ۶)

جدول شماره ۵- توزیع تعداد دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی برحسب گروه آموزشی طی سالهای ۱۳۵۷-۷۶^۶

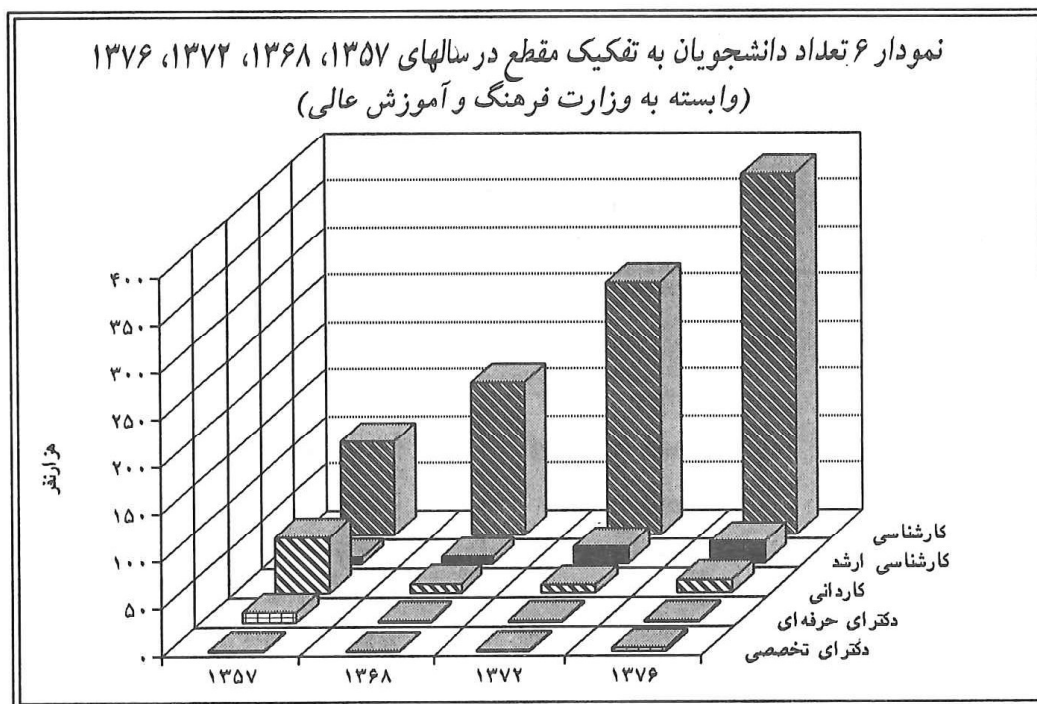
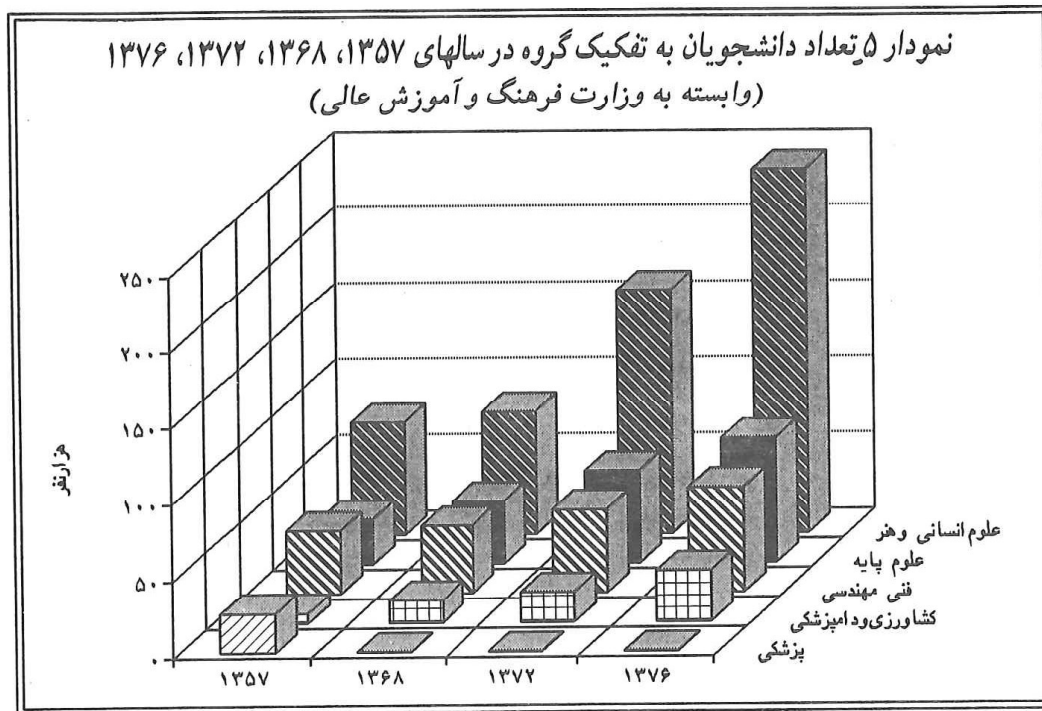
سال	۱۳۵۷	۱۳۶۸	۱۳۷۲	متوسط رشد برنامه اول	۱۳۷۶	متوسط رشد برنامه دوم	متوسط رشد ۱۳۶۸-۷۶	متوسط رشد ۱۳۵۷-۷۶	گروه آموزشی
پزشکی	۲۵۵۸۸	۵۲۳	۲۲۸	-۲	۵۲۴	۳	-	*	
علوم پایه	۲۹۱۲۹	۴۰۶۱۰	۶۰۶۰۳	۱۰	۸۱۲۶۲	۷	۹	۵/۵	
علوم انسانی و اجتماعی و هنر	۷۳۲۵۸	۸۰۳۱۸	۱۶۰۰۸۱	۱۹	۲۳۹۹۲۲	۱۰	۱۴/۶	۶/۴	
کشاورزی و دامپزشکی	۶۶۸۴	۱۴۲۹۱	۱۹۳۰۵	۸	۳۲۸۳۶	۱۴	۱۱	۸/۷	
فنی مهندسی	۲۱۰۱۷	۲۴۰۹۷	۵۳۹۰۵	۵	۶۸۵۱۸	۶	۵/۶	۲/۷	
جمع	۱۷۵۶۷۵	۱۷۹۸۳۹	۲۹۴۳۳۲	۱۳	۴۲۳۰۶۴	۹	۱۱/۲	۴/۷	

* به دلیل جدا شدن دانشگاه‌های علوم پزشکی از وزارت فرهنگ و آموزش عالی، محاسبه متوسط رشد بین سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۶ منطقی نیست.

جدول شماره ۶- توزیع تعداد دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت برحسب مقطع تحصیلی طی سالهای ۱۳۵۷-۷۶

سال	۱۳۵۷	۱۳۶۸	۱۳۷۲	متوسط رشد برنامه اول	۱۳۷۶	متوسط رشد برنامه دوم	متوسط رشد ۱۳۶۸-۷۶	متوسط رشد ۱۳۵۷-۷۶	مقطع تحصیلی
کاردانی	۵۸۸۷۱	۹۷۱۵	۸۳۳۹	-۳	۱۳۱۳۳	۱۲	۳/۸	-۷/۵	
کارشناسی	۹۸۹۱۷	۱۶۰۸۸۶	۲۶۵۶۹۱	۱۳	۳۸۱۰۹۷	۹/۴	۱۱/۳	۷/۳	
کارشناسی ارشد	۶۳۴۰	۷۶۳۳	۱۷۵۰۲	۲۳	۲۳۳۰۳	۷/۴	۱۵	۷	
دکترای حرفه‌ای*	۱۰۳۰۲	۱۲۸۳	۱۴۷۳	۳/۵	۱۷۶۰	۴/۵	۴	*	
دکترای تخصصی	۱۲۴۵	۳۲۲	۱۳۲۷	۲۲	۳۷۷۱	۳۰	۳۶	۶	
جمع	۱۷۵۶۷۵	۱۷۹۸۳۹	۲۹۴۳۳۲	۱۳	۴۲۳۰۶۴	۹/۴	۱۱/۲	۴/۷	

* به دلیل جدا شدن دانشگاه‌های علوم پزشکی از وزارت فرهنگ و آموزش عالی، محاسبه متوسط رشد بین سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۶ منطقی نیست.



فارغ التحصیل: براساس آمار موجود، تعداد فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی با متوسط رشد سالانه ۱۳ درصد در طول برنامه اول توسعه و ۷ درصد طی سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ افزایش یافته است. وضعیت گروه‌های آموزشی و مقاطع تحصیلی مختلف در بین سالهای مورد نظر تقریباً مشابه وضعیت شاخصهای پذیرش و دانشجویست و مواردی که درخصوص دو شاخص قبلی صادق است در مورد این شاخص نیز صادق می‌باشد. (جدولهای شماره ۷ و ۸)

جدول شماره ۷- توزیع تعداد فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی برحسب گروه آموزشی طی سالهای ۱۳۶۸-۷۶

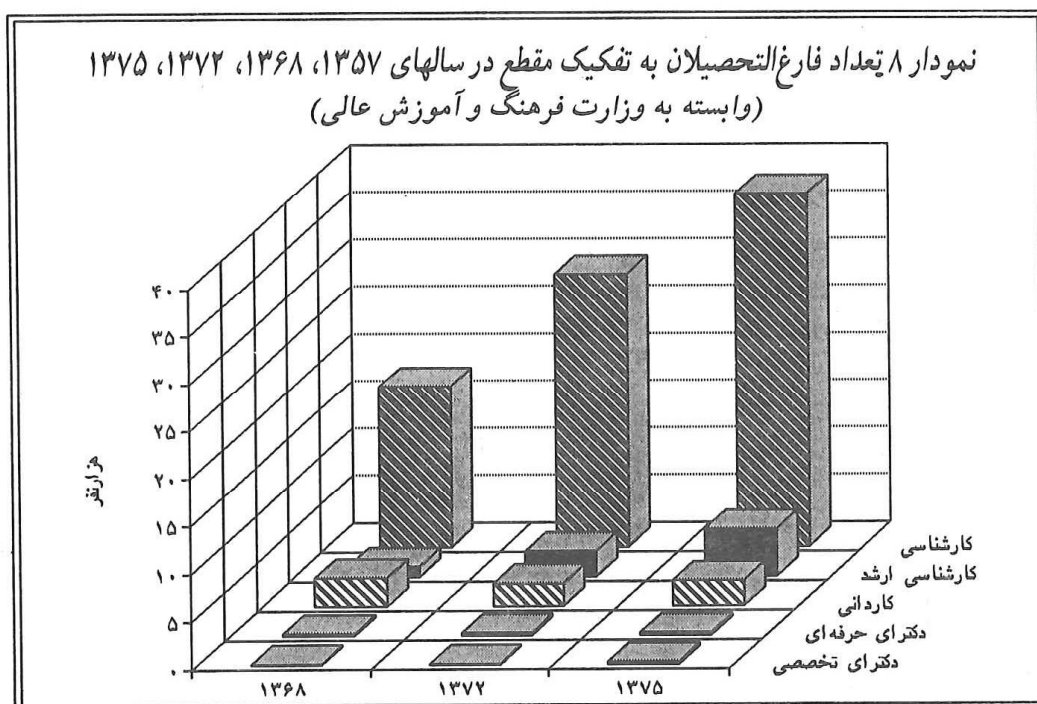
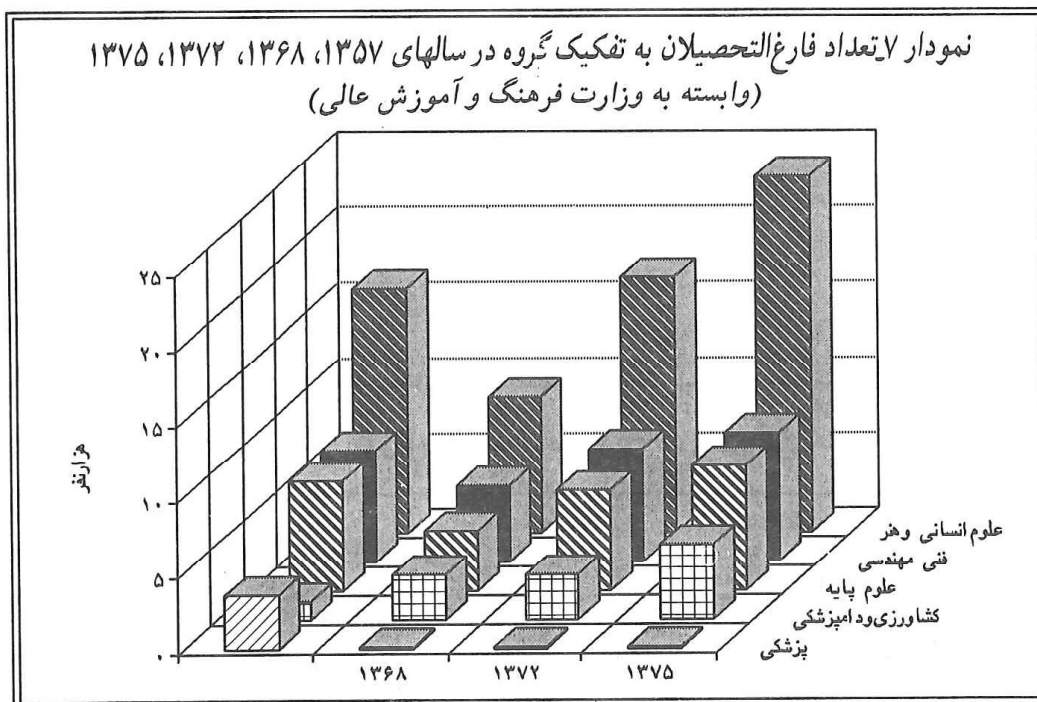
سال	۱۳۵۷	۱۳۶۸	۱۳۷۲	متوسط رشد برنامه اول	۱۳۷۶	متوسط رشد برنامه دوم	متوسط رشد ۱۳۵۷-۷۶	گروه آموزشی
پزشکی	۳۵۵۱	۷۳	۹۱	۶	۹۹	۲	*	
علوم پایه	۷۲۸۳	۳۹۵۲	۶۶۶۸	۱۲	۸۲۵۳	۵	۱	
علوم انسانی و هنر	۱۶۱۵۶	۸۹۸۳	۱۶۹۲۷	۱۷	۲۳۵۲۶	۸	۱/۴	
کشاورزی و دامپزشکی	۱۱۸۵	۲۹۶۰	۲۹۴۲	۰/۱	۲۹۲۳	۱۲	۵/۸	
فنی مهندسی	۷۳۸۲	۵۰۵۶	۷۲۲۸	۱۰	۸۴۸۱	۳	۳/۶	
جمع	۳۵۵۵۹	۲۱۰۲۲	۳۴۰۵۸	۱۳	۲۵۲۸۲	۷	۰/۷	

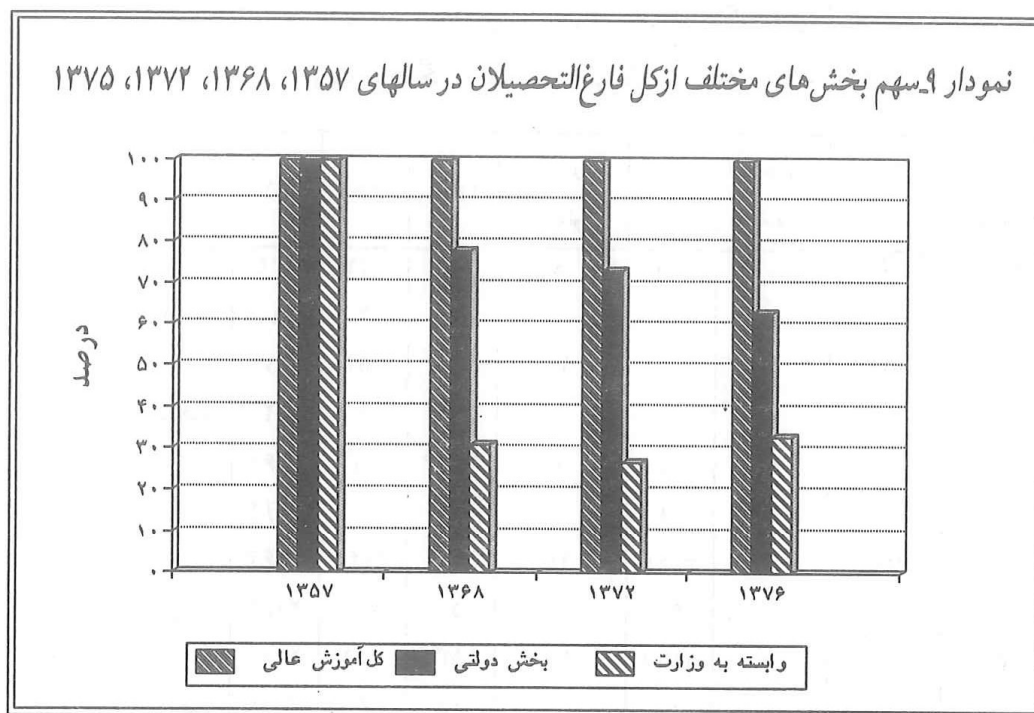
* به دلیل جدا شدن دانشگاه‌های علوم پزشکی از وزارت فرهنگ و آموزش عالی، محاسبه متوسط رشد بین سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۶ منطقی نیست.

جدول شماره ۸ - مقایسه توزیع تعداد فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی برحسب مقطع تحصیلی طی سالهای ۱۳۵۷-۷۶

سال	۱۳۵۷	۱۳۶۸	۱۳۷۲	متوسط رشد برنامه اول	۱۳۷۶	متوسط رشد برنامه دوم	متوسط رشد ۱۳۵۷-۷۶	مقطع تحصیلی
کاردانی	۱۰۰۷	۲۹۵۳	۲۳۱۵	-۶	۲۶۵۳	۳	-۱۰	
کارشناسی	۱۳۵۷۲	۱۶۸۶۲	۲۸۷۹۹	۱۲	۳۷۲۴۳	۷	۵/۴	
کارشناسی ارشد	۸۸۵	۱۰۲۶	۲۶۳۸	۲۷	۴۹۳۸	۱۷	۹/۴	
دکترای حرفه‌ای*	۹۸۸	۱۶۹	۲۳۰	۸	۲۲۸	-۰/۲	۲	
دکترای تخصصی	۲۲	۱۲	۷۶	۵۳	۲۲۰	۳۰	۹	
جمع	۳۵۵۵۹	۲۱۰۲۲	۳۴۰۵۸	۱۳	۲۵۲۸۲	۷	۱/۲	

* به دلیل جدا شدن دانشگاه‌های علوم پزشکی از وزارت فرهنگ و آموزش عالی، محاسبه متوسط رشد بین سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۶ منطقی نیست.





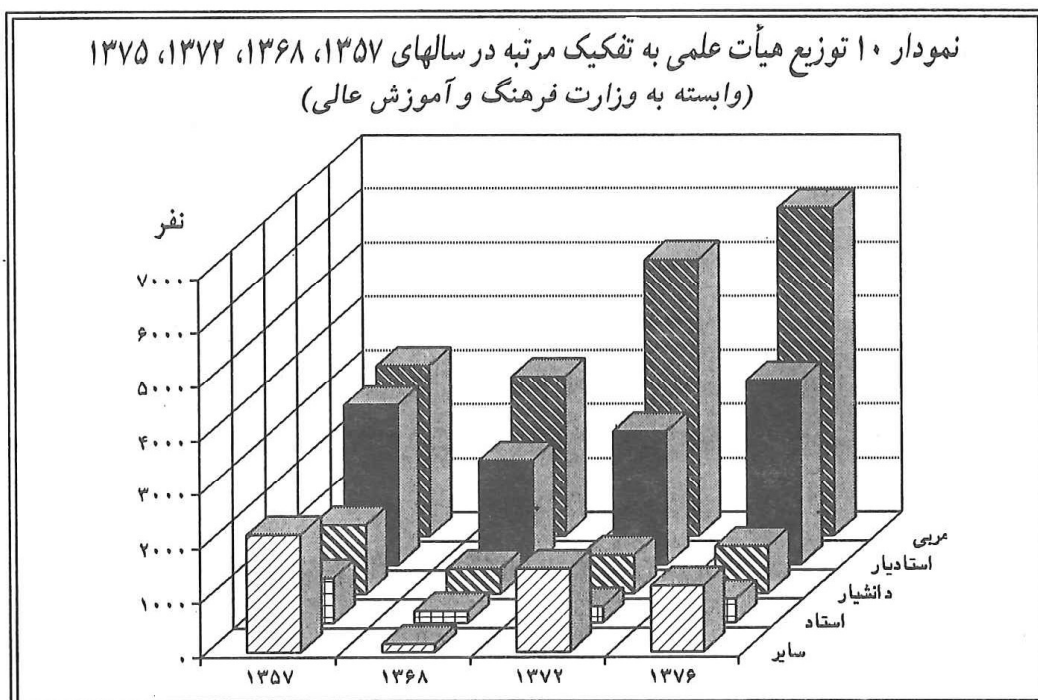
هیأت علمی: براساس آمار موجود، تعداد اعضای هیأت علمی تمام وقت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی طی برنامه اول توسعه با متوسط رشد سالانه ۱۵ درصد و طی سالهای ۷۲ تا ۷۶ با ۴ درصد افزایش یافته است. متوسط رشد سالانه تعداد اعضای هیأت علمی تمام وقت طی سالهای ۶۸ تا ۷۶ برابر با ۱۰ درصد است.

مقایسه سهم مرتبه‌های مختلف اعضای هیأت علمی در سالهای ۶۸، ۷۲ و ۷۶ نشان می‌دهد که سهم مرتبه‌های استاد و دانشیار و مربی از کل تقریباً ثابت مانده و تغییری نکرده است. این در حالی است که متأسفانه سهم مرتبه‌های استادی و دانشیاری به کل هیأت علمی، نسبت به سال ۱۳۵۷، کاهش قابل توجهی یافته و، در مقابل، سهم مربی افزایش چشمگیری داشته است. در این سالها فقط سهم مرتبه استادیار در سال ۱۳۷۶ نسبت به سال ۱۳۷۲ افزایش یافته و از ۲۴ درصد به ۲۸ درصد رسیده است. در مجموع، طی سالهای مورد بررسی، همواره بیشترین درصد از اعضای هیأت علمی در مرتبه مربی و کمترین درصد در مرتبه استادی بوده‌اند. (جدول شماره ۹)

جدول شماره ۹- توزیع اعضای هیأت علمی تمام وقت در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی طی سالهای ۷۶-۱۳۵۷

سال	۱۳۵۷	۱۳۶۸	۱۳۷۲	متوسط رشد برنامه اول	۱۳۷۶	متوسط رشد برنامه دوم	۱۳۶۸-۷۶	متوسط رشد ۱۳۵۷-۷۶	رتبه علمی
استاد	۸۳۹	۲۲۲	۳۰۲	۸	۴۴۴	۱۰	-۳/۶	-۳/۶	درصد ۹
دانشیار	۱۲۷۷	۴۵۳	۷۱۹	۱۲	۸۷۴	۵	-۲	-۲	درصد ۱۲
استادیار	۲۹۶۹	۱۹۲۶	۲۴۷۴	۶	۳۴۲۰	۸	۰/۷	۰/۷	درصد ۲۸/۵
مربی	۳۱۶۴	۲۹۴۷	۵۱۱۹	۱۵	۶۰۶۸	۴	۳/۴	۳/۴	درصد ۳۰/۳
سایر*	۲۱۶۷	۱۵۵	۱۵۳۲	۷۷	۱۲۱۵	-۶	-۳	-۳	درصد ۲۰/۸
جمع	۱۰۴۱۶	۵۷۰۳	۱۰۱۴۶	۱۵	۱۲۰۲۱	۴	۰/۷	۰/۷	

* مربی آموزشیار جزء سایر محاسبه شده است.



۲-۲- تحقیقات:

مقایسه عملکرد شاخصهای بخش تحقیقات وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی طی سالهای برنامه اول توسعه و بین سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که اکثر این شاخصها در سالهای برنامه دوم رشد بالاتری نسبت به سالهای برنامه اول داشته‌اند. به عنوان مثال، در حالی که شاخص تعداد محقق طی سالهای برنامه اول با متوسط رشد سالانه ۰/۸ درصد فزونی یافته، طی سالهای ۷۲ تا ۷۵ با متوسط رشد سالانه ۲۷ درصد افزایش یافته است که این امر، چنانکه در زیرنویس جدول زیر آمده، به دلیل احتساب دانشجویان تحصیلات تکمیلی به عنوان محقق است. طرحهای تحقیقاتی طی سالهای برنامه اول با متوسط رشد سالانه ۰/۳ درصد و در سالهای ۷۲ تا ۷۵ با متوسط رشد سالانه ۱۰ درصد، افزایش یافته است. این واقعیت در مورد شاخصهای دیگری چون تعداد پایان نامه، کتاب، مجلات علمی و سفرهای علمی نیز صادق است. در بین شاخصهای مختلف این بخش، دو شاخص تعداد سمینارهای علمی و تعداد مقالات علمی با ۲۲ درصد متوسط رشد سالانه نسبت به سایر شاخصها، طی ۷ سال (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵)، رشد بیشتری داشته‌اند و شاخص فرصتهای مطالعاتی همواره دارای رشد منفی بوده است. (جدول شماره ۱۰)

مقایسه نسبت اعتبارات تحقیقاتی به تولید ناخالص داخلی طی سالهای برنامه اول و سالهای برنامه دوم نشان می‌دهد که این نسبت در سالهای برنامه دوم کاهش یافته است؛ در حالی که نسبت این اعتبارات طی برنامه اول با متوسط رشد سالانه ۲۰ درصد از ۰/۲۱ درصد در سال ۶۸ به ۰/۴۳ درصد در سال ۷۲ رسیده است. اما در طول سالهای برنامه دوم با رشد منفی (۹-) از ۰/۴۳ به ۰/۲۹ درصد کاهش یافته است.^۱

سهم تحقیقات دانشگاهی از کل اعتبارات تحقیقاتی نیز در طول برنامه دوم نسبت به برنامه اول کاهش پذیرفته، در حالی که این سهم در طول سالهای برنامه اول با ۱۹ درصد متوسط رشد سالانه افزایش یافته در طول سالهای برنامه دوم با ۴ درصد متوسط رشد سالانه افزایش یافته است. کاهش چشمگیر متوسط رشد اعتبارات تحقیقات دانشگاهی به قیمت ثابت در سالهای برنامه دوم نسبت به برنامه اول (۴ درصد در مقایسه با ۴۹ درصد) بخوبی بیانگر محدودیت مالی این بخش در سالهای اخیر است. (جدول شماره ۱۱)

جدول شماره ۱۰- عملکرد تحقیقات دانشگاهی غیر پزشکی طی برنامه اول و دوم^۹

متوسط رشد ۱۳۶۸-۷۷	۱۳۷۷		۱۳۷۲		۱۳۶۸	شاخص سال
	متوسط رشد برنامه دوم	متوسط رشد برنامه اول	متوسط رشد برنامه اول	متوسط رشد برنامه اول		
۱۱	۲۷	۸۲۰۱	۰/۸	۳۹۵۳	۳۸۳۳	تعداد محقق ^(۲)
۴	۱۰	۲۹۲۳	۰/۳	۲۱۷۳	۲۱۵۰	طرح‌های تحقیقاتی
۱۳	۱۷	۴۹۱۷	۱۱	۳۰۹۶	۲۰۳۸	پایان نامه
۴	۲۴	۷۳۶	-۸	۳۸۵	۵۴۵	کتاب
۲۲	۱۱	۵۶۶	۱۷ ^(۱)	۴۰۹	-	سمینارهای علمی
۹	۶	۱۴۰	۳ ^(۱)	۹۲	-	مجلات علمی
-۵	-۸	۶۱	-۳	۷۹	۹۰	فرصتهای مطالعاتی
۲۲	-۱۵	۲۷۹۴	۷۶ ^(۱)	۴۵۹۷	-	مقالات علمی
-۶	۱۴	۶۲۰	-۲۲ ^(۱)	۴۱۸	-	سفرهای علمی
۱۴	۱۱	۱۸	۲۱	۱۳	۷	مراکز تحقیقاتی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی

(۱) سال ۶۹ بعنوان سال مبنا در نظر گرفته شده است.
 (۲) دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری که در حال گذراندن رساله هستند و استادان راهنما و استادان مجری به عنوان محقق مصوب شده‌اند.

جدول شماره ۱۱- ارزیابی اعتبارات تحقیقاتی دانشگاهی در مقایسه با کل اعتبارات

متوسط رشد ۱۳۶۸-۷۷	۱۳۷۷		۱۳۷۲		۱۳۶۸	شاخص سال
	متوسط رشد برنامه دوم	متوسط رشد برنامه اول	متوسط رشد برنامه اول	متوسط رشد برنامه اول		
۲	-۹	۰/۲۹	۲۰	۰/۴۳	۰/۲۱	نسبت اعتبارات تحقیقاتی به تولید ناخالص داخلی (درصد)
۱۰	۴	۲۶/۹	۱۹	۲۲/۶	۱۱/۴	سهم تحقیقات دانشگاهی از کل اعتبارات تحقیقاتی (درصد)
۵۴/۶	۳۷	۳۲۴۵۱۷/۷	۹۱	۹۰۹۴۲/۳	۶۸۰۶/۸	اعتبارات تحقیقاتی دانشگاهی به قیمت جاری (میلیون ریال)
۲۱/۷	۲	۱۴۳۹۷/۱	۲۹	۱۲۱۳۲/۱	۲۴۵۸/۲	اعتبارات تحقیقاتی دانشگاهی به قیمت ثابت (میلیون ریال)

جدول شماره ۱۲ - جایگاه آموزش عالی ایران در مقایسه با ۱۰ کشور جهان،
براساس ۵ شاخص آموزش عالی^{۱۰}

رتبه کشور	هزینه سرانه آموزش عالی دولتی (دلار)	رتبه کشور	نسبت اعتبارات جاری آموزش عالی به کل اعتبارات جاری آموزشی	رتبه کشور	نسبت دانشجوی بااستاد	رتبه کشور	تعداد دانشجوی درصد هزار نفر	شاخص کشور
۶	۶۰۳۳ (۱۹۹۲)	۳	۱۷ (۱۹۹۵)	۵	۱۵/۸ (۱۹۹۵)	۵	۳۶۰۰ (۱۹۹۵)	فرانسه
۲	۸۲۴۱ (۱۹۹۲)	۴	۲۳/۷ (۱۹۹۵)	۷	۲۰ (۱۹۹۵)	۶	۳۱۳۵ (۱۹۹۵)	انگلستان
۷	۵۱۶۹ (۱۹۹۲)	۸	۱۵ (۱۹۹۵)	-	-	۷	۳۱۰۳ (۱۹۹۵)	ایتالیا
۱	۸۶۴۲ (۱۹۹۲)	۶	۲۱/۶ (۱۹۹۵)	۲	۹ (۱۹۹۵)	۸	۲۹۷۰ (۱۹۹۵)	اتریش
۳	۷۹۰۲ (۱۹۹۲)	۷	۲۲/۶ (۱۹۹۵)	۱	۸ (۱۹۹۵)	۹	۲۶۲۸ (۱۹۹۵)	آلمان
۵	۷۰۷۶ (۱۹۹۲)	۹	۲۳/۸ (۱۹۹۶)	۳	۱۴ (۱۹۹۵)	۴	۳۶۱۸ (۱۹۹۵)	ایرلند
۴	۷۲۹۵ (۱۹۹۲)	۱	۲۸/۸ (۱۹۹۵)	-	-	۲	۴۱۹۰ (۱۹۹۵)	فنلاند
۸	۳۸۳۵ (۱۹۹۲)	۵	۱۵/۱ (۱۹۹۵)	۶	۱۸ (۱۹۹۵)	۳	۴۰۱۷ (۱۹۹۵)	اسپانیا
۱۰	۱۴۴۸ (۱۹۹۵)	۲	۸ (۱۹۹۵)	۸	۲۵/۸ (۱۹۹۶)	۱	۴۹۵۵ (۱۹۹۵)	کره جنوبی ^(۱)
۹	۲۷۵۳ (۱۹۹۲)	۱۱	۱۰/۶ (۱۹۹۲)	۴	۱۵/۶ (۱۹۹۲)	۱۱	۹۷۱ (۱۹۹۲)	مالزی ^(۱)
۱۱	۵۴۸(۲) (۱۹۹۷)	۱۰	۲۴/۳ (۱۹۹۷)	۹	۳۵ (۱۹۹۷)	۱۰	۲۱۰۱ (۱۹۹۷)	ایران

(۱) در مورد این کشورها - باتوجه به این که سهم دانشجویان بخش دولتی و غیردولتی کاملاً مشخص نیست - نمی توان این هزینه سرانه را، با اطمینان کامل هزینه سرانه آموزش عالی دولتی به حساب آورد.

(۲) برای محاسبه این شاخص، نرخ برابری دلار و ریال معادل ۵۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است.

۳- جایگاه آموزش عالی ایران در مقایسه با چند کشور جهان

جایگاه آموزش عالی ایران را با مقایسه شاخصهای تعداد دانشجو در صد هزار نفر جمعیت، نرخ ثبت نام در آموزش عالی، نسبت دانشجو به استاد و نسبت اعتبارات جاری بخش آموزش عالی به کل اعتبارات جاری آموزشی، ارزیابی می‌کنیم. جدول شماره ۱۲ این شاخصها را برای چند کشور اروپایی و دو کشور آسیایی همراه با ایران نشان می‌دهد. رتبه ایران از نظر تعداد دانشجو در صد هزار نفر جمعیت و شاخص نرخ ثبت نام در آموزش عالی در بین کشورهای مذکور دهم (از بین ۱۱ کشور) است و از نظر شاخص نسبت دانشجو به استاد و شاخص نسبت اعتبارات جاری، ایران به ترتیب مقامهای نهم و ششم را دارد. شاخص هزینه سرانه دولتی، ایران را در مقام یازدهم قرار می‌دهد. این وضعیت در شرایطی است که ایران از نظر نسبت شاغلان متخصص به کل شاغلان نیز در رتبه‌ای پایین قرار دارد. (جدول شماره ۱۳)

جدول شماره ۱۳- نسبت شاغلان متخصص به کل شاغلان در ایران و چند کشور جهان

کشور	نسبت	کشور	نسبت	کشور	نسبت
کانادا (۱۹۹۶)	۳۲/۸	هنگ کنگ (۱۹۹۶)	۱۸/۹	سوئد (۱۹۹۵)	۳۵/۶
آمریکا (۱۹۹۶)	۱۷/۹	آلمان (۱۹۹۶)	۳۱/۵	انگلستان (۱۹۹۶)	۲۰/۲
استرالیا (۱۹۹۳)	۱۱/۵	نروژ (۱۹۹۵)	۲۵/۵	ترکیه (۱۹۹۶)	۵/۹
ژاپن (۱۹۹۶)	۱۲/۴	فنلاند (۱۹۹۶)	۲۸/۷	کره (۱۹۹۶)	۱۴/۴
مالزی (۱۹۹۶)	۱۰	ایران (۱۹۹۶)	۹/۶		

نکته شایان ذکر این است که طبق نتایج آخرین سرشماری عمومی از این تعداد شاغلین، ۸۱ درصد در بخش دولتی قرار دارند. بنابراین، بخش غیردولتی وضع اسفناکی به لحاظ نیروی انسانی متخصص دارد و قابلیت جذب آن تا به حال بسیار کم بوده است و باید برای آن چاره‌ای اندیشید.

۴- دستاوردهای گذشته و تنگناهای بخش آموزش عالی

آموزش عالی در بیست سال گذشته - به لحاظ رشد کمی، توزیع منطقه‌ای، افزایش رشته‌های تحصیلی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری - پیشرفتهای شایان

توجهی داشته است. به بهبود شاخصهای کمی و توسعه مقاطع تحصیلات تکمیلی در بخشهای قبل اشاره شد. تعداد دانشگاهها از ۲۲ در سال ۱۳۵۷ به ۸۳ در سال ۱۳۷۷ رسیده است (که این تعداد بدون احتساب واحدهای دانشگاه پیام نور، آزاد، غیرانتفاعی و جامع تکنولوژی است) و این درحالی است که این تعداد از توزیع منطقه‌ای خوبی برخوردار هستند به گونه‌ای که هر استان دارای یک دانشگاه دولتی و چند مرکز آموزش عالی (پیام نور، وابسته به دستگاهها و دانشگاه آزاد) است. این دستاورد گام مهمی در بسط عدالت اجتماعی و تحقق اهداف توسعه منطقه‌ای است.

دستاورد دیگر این بخش افزایش نسبت زنان در پذیرفته شدگان و دانشجویان کشور است. در جدول شماره ۱۴، ترکیب جنسی چند شاخص به طور مقایسه‌ای نشان داده شده است.

جدول شماره ۱۴ - وضعیت زنان در آموزش عالی (دولتی)

سال	شاخص			عضو هیأت علمی تمام وقت			محقق			جمعیت دانشجویی			پذیرفته شده	
	زن	جمع	درصد	زن	جمع	درصد	زن	جمع	درصد	زن	جمع	درصد	جمع	درصد
۱۳۵۷	۱۴۳۴	۸۲۴۹	۱۷/۴	۳۴۱۰	۱۵۸۸۸	۲۱/۵	۵۲۲۴۸	۱۷۵۶۷۵	۳۰/۹	۱۷۷۲۲	۵۶۲۵۷	۳۱/۵		
۱۳۷۶	۳۷۷۶	۲۱۱۰	۱۷/۹	۱۱۶۵۸	۵۸۷۱۰	۱۹/۶	۲۳۸۶۸۷	۶۲۵۲۸۰	۳۸/۲	۷۲۶۸۱	۱۳۹۴۳۶	۵۲		

* آمار مربوط به کنکور سال تحصیلی ۱۳۷۷-۷۸ است.

در سال ۱۳۵۷، تعداد دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی کشور کمتر از ۱۸۰۰۰ نفر بود که در ۱۵۷ رشته تحصیل می‌کردند. در حال حاضر، تنها در بخش دولتی در حدود ۸۰۰۰۰ دانشجویان در ۳۲۱ رشته تحصیلات تکمیلی مشغول به تحصیل هستند. در مقابل دستاوردهای فوق، بخش آموزش عالی از لحاظ شاخصهای کیفی نسبت مراتب دانشگاهی اعضای هیأت علمی و نسبت دانشجویان به استاد با مشکل مواجه است. وضعیت شاخص نسبت دانشجویان به استاد تا حد مطلوب و حتی حد مقبول فاصله دارد. شاخص نسبت دانشجویان به استاد در بخش دولتی از ۱۷ در سال ۱۳۵۷ به ۲۵ در سال ۱۳۷۶-۷۷ تضعیف شده است، ضمن این که در سال ۱۳۵۷، حدود ۹٪ اعضای هیأت

علمی در رده استادی و حدود ۱۲٪ در رده دانشیاری و حدود ۳۰٪ در رده استادیاری بوده‌اند در حالی که در سال تحصیلی ۱۳۷۶-۷۷ این نسبتها به ترتیب به حدود ۲/۵٪، ۵٪ و ۳۲٪ رسیده‌اند. به عبارت دیگر، سهم رده‌های استادیاری به بالا از ۴۹ درصد به ۴۰ درصد کاهش یافته است. در تضعیف شاخصهای کیفی فوق، مشکلات، کمبودها، و محدودیتهای اعتباری بخش سهم مهمی داشته‌اند.

جدول شماره ۱۵- مقایسه بعضی شاخصهای آموزش عالی در بخش دولتی
در دو مقطع ۵۷ و ۷۷

شاخص	۱۳۵۷	۱۳۷۷
تعداد دانشگاه‌ها	۲۲	۸۳
رشته‌های تحصیلات تکمیلی	۱۵۷	۳۲۱
نسبت دانشجو به استاد	۱۷	۲۵
سهم رده‌های استادیاری به بالا (درصد)	۴۹	۴۰

دو شاخص فوق و نیز ضعف تحقیقات از نمونه‌های مهم مشکلات در کیفیت آموزش عالی هستند.

نامطلوب بودن نظام پرداخت به اعضای هیأت علمی و فقدان انگیزه‌های لازم برای ارتقای کیفیت کار و اشتغال بیش از حد به تدریس، تأثیر مستقیم بر وضعیت کادر آموزشی این بخش به لحاظ کمی و کیفی دارد. در حال حاضر، متوسط حقوق اعضای هیأت علمی (میانگین حقوق و مزایای مربی پایه ۷ و استادیار پایه ۱۰) تنها ۶۴ درصد از متوسط هزینه‌های ناخالص یک خانوار در ماه را تأمین می‌کند.

حقوق یک عضو هیأت علمی با رتبه استادیاری در سالهای آخرین پیش از انقلاب حدوداً ۱۵۰۰ دلار بوده و امروز در خوشبینانه‌ترین حالت حدوداً ۲۲۰ دلار است، که نشان از کاهشی حدود ۷۰ درصد دارد. علاوه بر این، نظام فعلی حقوق و مزایای اعضای هیأت علمی دارای دو نقطه ضعف اساسی است. اول این که افزایش حقوق سالانه در مراتب مختلف یکسان است، و دیگر این که نظام پرداخت وقت مزدی است.

این موارد لزوم بازنگری در این نظام و تدوین آن به صورتی که کارایی و کیفیت فعالیتهای آموزشی و پژوهشی نقش اصلی را در سطح حقوق و همچنین افزایشهای سالانه داشته باشد، مطرح می‌کند.

اهم مشکلات و مسائل دیگر مبتلابه بخش، فشار روزافزون تقاضای اجتماعی برای ورود به آموزش عالی و تعدد مراجع تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری در آموزش عالی، نگرش ناصحیح به بخش آموزش عالی و خدماتی تلقی کردن آن، بویژه در بودجه بندی و اولویتهای سیاستگذاری است.

هرم سنی جمعیت ایران در سال ۱۳۷۵ بوضوح بیانگر حرکت توده جمعیت متولدین سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵ است که از سال ۱۳۷۸، با رسیدن به سن دانشجویی متقاضیان بالقوه ورود به دانشگاه‌ها را تشکیل می‌دهند. عدم تأمین اعتبارات لازم برای حفظ سطح فعالیت و توسعه بخش آموزش عالی دولتی، مشکلات پاسخگویی به تقاضای فوق را تشدید خواهد کرد. در اینجا اهم مشکلات و تنگناها در بخش آموزش عالی را بر می‌شماریم:

نقاط ضعف و تنگناها

الف) در سطح ساختار و مدیریت:

۱- کم بها دادن مسئولان و تصمیم‌گیران جامعه به نتایج حاصل از تحقیقات و عدم استفاده از آنها در امور برنامه‌ریزی و، در عین حال، انتظار نتایج فوری از فعالیتهای تحقیقاتی،

۲- نبود سازوکار (مکانیسم) جهت ارتباط شکلی (فرمی) و محتوایی آموزش عالی با نیازهای کشور و مرزهای جهانی دانش و، در نتیجه، عدم انعطاف رشته‌ها، درسها، و آموزشها، ناکارایی آنها در بازار کار و افت کیفیت،

۳- ضعف ساختار تحقیقات کشور در طراحی و اجرای سیاستهای صحیح، علمی، قوی و منسجم و کارآمد جهت ساماندهی نهادهای تحقیقاتی در راستای نیازهای رشد و توسعه کشور،

۴- قرار نگرفتن دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در مسیر تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه

کشور،

- ۵- نهادی نشدن پژوهش در دانشگاه‌ها و عدم استفاده مناسب از منابع و امکانات علمی - تحقیقاتی داخلی به دلیل فقدان ارتباط ارگانیک و مستمر با صنعت،
- ۶- کم توجهی به تحقیقات و مهارت‌آموزی در تدوین برنامه‌های آموزشی و تکیه بیش از حد بر دروس نظری،
- ۷- عدم تطابق موضوعات تحقیقاتی با نیازهای کشور،
- ۸- عدم حضور فعال در محافل و مجامع بین‌المللی بویژه در کشورهای همجوار و منطقه و در ارتباطات و همکاریهای علمی - تحقیقاتی کشور،
- ۹- کمبود هیأت علمی در مقایسه با شاخصهای کیفی مطلوب، بویژه در برخی رشته‌های جدید و راهبردی (استراتژیک)، و همچنین پایین بودن شاخصهای سرانه متخصص و محقق در جامعه و عدم تناسب بین تخصص فارغ‌التحصیلان و نیازهای جامعه،
- ۱۰- ناموزون بودن هرم هیأت علمی (درصد بالای مربیان و کمبود هیأت علمی با مراتب بالاتر)،
- ۱۱- توسعه رشته‌های آموزشی بدون توجه کافی به نیاز جامعه و تحولات جهانی و رشد بدون برنامه آموزش عالی غیردولتی بویژه در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری،
- ۱۲- ضعف در مدیریت دانشگاهی - علمی - تحقیقاتی،
- ۱۳- تعدد مراجع تصمیم‌گیری و سیاستگذاری در آموزش عالی،
- ۱۴- نظام متمرکز آموزش عالی در زمینه‌های اجرایی.

ب) در سطح نیروی انسانی، فضای کار و منابع:

- ۱- فقدان سیاستهای کلان توسعه علمی، پژوهش و فن‌آوری در برنامه‌های توسعه کشور،
- ۲- محدودیت منابع مالی، پایین بودن سرانه آموزش و پژوهش، کمبود نیروی انسانی محقق، مدرس،
- ۳- عدم توزیع مناسب منابع و امکانات و تجهیزات،
- ۴- پایین بودن ظرفیت دوره‌های تحصیلات تکمیلی از نظر استاد، امکانات و تجهیزات، اعتبارات و نهایتاً دانشجوی،
- ۵- وجود موانع اداری در فرایند پژوهش و وصول درآمدها،

۶- کمبود بودجه تحقیقاتی دانشگاه‌ها و عدم تناسب آن با تعداد پژوهشگران در مقایسه با سایر بخشها و کشورها،

۷- ناهماهنگی اعتبارات پژوهشی و آموزشی و وجود موانع در راه جذب بودجه‌های ارزی،

۸- عدم تجهیز و دسترسی مناسب به پایگاه‌های اطلاعاتی و مراکز بین‌المللی،

۹- کمبود شدید تجهیزات، کتب و مجلات علمی در دانشگاه‌ها، مراکز علمی و تحقیقی،

۱۰- فقدان تنوع منابع مالی دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی و وابستگی زیاد به درآمدهای عمومی،

۱۱- عدم توجه کافی به فعالیتهای پژوهشی از نظر کمی و کیفی و اشتغال بیش از حد به تدریس و فعالیتهای خارج از دانشگاه،

۱۲- افت تدریجی کیفیت دانشجویان ورودی به دانشگاه‌ها،

۱۳- تفاوت و تضاد معیارها در انواع آموزش عالی موجود،

۱۴- کم‌انگیزگی هیأت علمی در پرداختن به امور علمی و فقدان تسلط لازم به روشهای تحقیق و دستاوردهای جدید علمی،

۱۵- ضعف روحیه کارگروهی و جمعی،

۱۶- فاصله گرفتن با توسعه سریع تحولات علوم و فن‌آوری در سطح بین‌المللی^{۱۱}.

با عنایت به این تنگناها و مشکلات و نیز در نظر گرفتن این وضعیت است که بخش آموزش عالی سیاستهای کلی زیر را در چارچوب سیاستهای کلان اقتصادی اجتماعی کشور در برنامه سوم توسعه اتخاذ کرده است:

۱- ارتقای کیفیت آموزشی و پژوهشی،

۲- اصلاح ساختار آموزش عالی در جهت یکپارچگی و تمرکززدایی،

۳- توسعه کمی تنها در دوره‌های کاردانی علمی کاربردی، بخش غیر حضوری و دوره‌های تحصیلات تکمیلی.

بدیهی است که برای اجرای سیاستهای فوق، رفع نیازهای اعتباری (ریالی و ارزی) این بخش همراه با فراهم نمودن زمینه‌های قانونی برای یکپارچه شدن تصمیم‌گیری و سیاستگذاری در این بخش و نیز اتخاذ الگوها و راه‌حلهای منطقی برای توسعه آموزش عالی غیردولتی الزامی و حیاتی است.

سهم اعتبارات تحقیقاتی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی وابسته به وزارت از درآمد ناخالص داخلی در سالهای اخیر سیر نزولی داشته و از حدود ۵/۰٪ در نیمه اول دهه به ۳۶۵/۰٪ در ۱۳۷۴ و باز به حدود ۳/۰٪ در سال گذشته کاهش یافته است. این در حالی است که ما، به عنوان رئیس کنفرانس اسلامی، به کشورهای عضو توصیه کرده‌ایم حداقل ۱٪ از درآمد ناخالص ملی خود را صرف تحقیقات کنند. در هر صورت، همه این ارقام و درصدها کم توجهی مالی به امر تحقیقات را نشان می‌دهد. ناچیز بودن این اعتبارات از مقایسه حمایت مالی اضافی جهت تحقیقات تنها یک دانشگاه UCLA آمریکا، که در سال ۱۹۹۴ برابر با یکصد میلیارد تومان (۳۲۶ میلیون دلار) بوده است، با کل بودجه تحقیقات در وزارت فرهنگ و آموزش عالی کشور در سال ۱۳۷۴ که در حدود شش میلیارد تومان بوده است، قابل رؤیت می‌شود؛ بودجه تحقیقاتی یک دانشگاه خارجی بیش از بیست برابر کل بودجه تحقیقاتی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و دانشگاه‌ها و مؤسسات وابسته بوده است.^{۱۲}

باتوجه به وضعیت حساس کشور و نقش محوری آموزش عالی و تحقیقات در توسعه ملی انتظار می‌رود که مسئولین رده بالای کشور با حفظ جایگاه صحیح این بخش در برنامه‌های کلان کشور و تأمین حداقل‌های لازم برای این بخش، زمینه‌های جوابگویی به نیازهای جامعه و تحقق نقش اساسی آموزش عالی در حفظ استقلال همه جانبه و اعتلای کشور را فراهم نمایند.

پی‌نوشتها

۱- برای آگاهی از دیدی جامع‌نگر به آموزش عالی در کشور برای مثال مراجعه کنید به منبع ۱۲، و شماره صفحه ۱۸۳. همینطور به مقاله دکتر رضا منصوری: «نیازهای جامعه و نقش آموزش عالی»، مجموعه مقالات سمینار منطقه‌ای آموزش عالی در قرن ۲۱، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۲۷-۲۹ اسفند ۷۶.

۲- آمار و اطلاعات و تحلیل بخش پزشکی آموزش عالی از منبع شماره ۱۰، صفحات ۴۵-۵۵ قابل دریافت است.

۳- مأخذ از منبع ۴.

۴- از منبع ۲، ص ۵.

- ۵- برای تفصیل کاملتر نقد برنامه اول و دوم - بخش آموزش عالی مراجعه کنید به منبع شماره ۱۱، صفحات ۳۰-۱۵.
- ۶- آمار و ارقام به کارگرفته شده درشش جدول و نمودار فوق و نیز هشت نمودار و جدول بعد همگی از منبع ۴ اخذ شده است.
- ۷- برای آمار و ارقام کل بخش آموزش عالی مراجعه کنید به فصل پنجم منبع ۳.
- ۸- منبع شماره ۵، جداول مختلف. مضاف براین، برای تحلیل روند تحقیقات در دو برنامه اول و دوم مراجعه کنید به: فتح‌الله مضطرزاده؛ «مروری براهداف کمی تحقیقات»؛ رهیافت شماره ۱۸، تابستان ۷۷، صفحات ۶۴-۶۸.
- ۹- نتایج کارنامه‌های پژوهشی سالهای ۷۵-۱۳۶۸.
- ۱۰- با استفاده از جدولهای آماری منبع ۷. برای مقایسه ایران باتوجه به شاخصهایی متفاوت، مراجعه کنید به منبع شماره ۹، صفحه ۱۰۹.
- ۱۱- منبع ۶، و منبع ۸، صفحات ۸۸-۹۳، و منبع ۹، فصل پنجم.
- ۱۲- منبع ۱، صفحه ۵۰.

منابع:

- ۱- مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی؛ گزارش وضعیت گذشته، حال و آینده وزارت فرهنگ و آموزش عالی؛ مهر ۱۳۷۶.
- ۲- مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی؛ گزارش گروه کاری اهداف عمده کمی - کمیته آموزش عالی برنامه سوم؛ ۱۳۷۸.
- ۳- وزارت فرهنگ و آموزش عالی؛ آمار عملکرد ۲۰ ساله آموزش عالی؛ بهمن ۱۳۷۷.
- ۴- مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی؛ آمار آموزش عالی؛ سالهای مختلف.
- ۵- معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی؛ گزارش اجمالی وضعیت تحقیقات در دانشگاه‌ها؛ بهمن ۱۳۷۷.
- ۶- معاونت آموزشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی؛ طرح ساماندهی علوم، تحقیقات، فن آوری؛ آبان ۱۳۷۷.

7- Unesco Statistical Year Book, 1998.

۸- سهرابی، حمید؛ ارزیابی عملکرد گذشته و وضع موجود بخش آموزش عالی و چشم‌انداز آینده؛ سازمان برنامه و بودجه، خرداد ۱۳۷۷.

۹- معاونت آموزشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی؛ گزارش ملی آموزش عالی ایران؛ ۱۳۷۶.

۱۰- عزیزی، فریدون؛ «سیر آموزش پزشکی در ایران»؛ رهیافت ۱۸، تابستان ۱۳۷۷.
۱۱- توکل، محمد؛ «نقد برنامه اول و دوم توسعه بخش آموزش عالی»؛ مجموعه مباحث و مقالات اولین همایش تدوین برنامه سوم توسعه کشور - جلد چهارم، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷.

۱۲- عظیمی، حسین؛ «آموزش عالی در ایران و نقش آنان از دیدگاه علم اقتصاد و مباحث توسعه»؛ مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۵.